

مطالعه ساختار اقتدارگرایانه دیکتاتوری قذافی و نقش آن در شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیک در لیبی^۱

عباس جهان تیغ

دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی سیاسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

طاهره میرساردو^۲

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

سروش فتاحی

دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۶

چکیده

مقاله حاضر با عنوان «مطالعه ساختار اقتدارگرایانه حاکم بر لیبی و نقش آن در ایجاد بحران‌های حاصله انسانی و سقوط دیکتاتوری قذافی در راستای شکل‌گیری یک حکومت مردم‌مدار» به بررسی بحران‌های حاصل از حاکمیت اقتدارگرایانه در راستای ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پرداخته است. هدف مقاله در راستای شکل‌گیری حکومت‌های مردم‌مدار و بررسی ساختار اقتدارگرایانه حاکم بر لیبی در دوره قذافی و رابطه آن با پیدایش بحران سیاسی، انسانی پس از وی است. روش مطالعه اسنادی مجدد و ابزار تحقیق تعدادی کتاب، مقاله، پایان‌نامه و وب‌سایت‌های مجازی منتخب درباره انقلاب لیبی و بحران سیاسی و اقتدارگرایی، که به‌عنوان نمونه از جامعه آماری انتخاب شدند تا تحلیل و تفسیر و آزمون شوند. نتیجه آزمون t و انجام رگرسیون نشان دادند که بین اقتدارگرایی و بحران سیاسی، انسانی لیبی پس از قذافی رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج همه آزمون‌ها نشان داد که رابطه معنی‌داری بین ساختار اقتدارگرایی حکومت قذافی و بحران سیاسی پس از وی در لیبی وجود دارد.

واژگان کلیدی: دیکتاتوری، بحران، ساختار اقتدارگرایانه، بحران انسانی و سیاسی، حکومت مردم‌مدار.

۱- این مقاله مستخرج است از رساله دکتری با عنوان: (بررسی ساختار سیاسی-اجتماعی و فرهنگی کشور لیبی و نقش آن در بحران‌های سیاسی پس از سرنگونی معمر قذافی).

۲- (نویسنده مسئول) mirsardoo_t@yahoo.com

مقدمه

هرچند تاریخ دموکراسی به تاریخ یونان باستان می‌رسد و دموکراسی در دولت‌شهرها، آن‌هم به صورت دموکراسی مستقیم (حکومت مردم بر مردم) بود؛ اما این دموکراسی شامل زنان و بردگان نمی‌شد. تا قبل از زمان پیروزی انقلاب فرانسه، واژه دموکراسی در قالب یک واژه ادبی بکار می‌رفت. با انقلاب فرانسه این واژه جنبه و مفهوم سیاسی یافت و در فرانسه و سراسر اروپا و حتی در تمام جهان در دستور کار سیاست و سیاستمداران واقعی قرار گرفت و در واژگان سیاسی جای گرفت بعد از این بود که در مقابل رژیم‌های دموکراسی و مردم‌سالار، رژیم‌های اقتدارطلب قرار گرفت. اقتدارگرایی به رفتار گونه‌ای از نهادها، سازمان‌های اجتماعی گفته می‌شود که فرمان‌برداری از اقتدار و ادارات کارگزار آن، از ویژگی ممتازش به شمار می‌رود. این مفهوم معمولاً مخالف فردگرایی و دموکراسی است. در علم سیاست دولت اقتدارگرا دولتی است که در آن اقتدار سیاسی در گروه کوچکی از سیاستمداران تمرکز شده است. این مفهوم اغلب در مقابل فردگرایی، دموکراسی و آزادی‌خواهی قرار می‌گیرد. ویژگی ممیز اقتدارگرایی قدرت به شدت متمرکز و مجتمع است که با سرکوب سیاسی و طرد مخالفان بالقوه تثبیت می‌شود. این قدرت از احزاب سیاسی و تشکیلات توده‌ای برای بسیج مردم در جهت اهداف رژیم استفاده می‌کند (Theodore, 1999: 17).

لازم به ذکر است که واژه اقتدار از ریشه لاتینی واژه «اتوریته» که به سنای روم مربوط بوده، گرفته شده است. مفهوم اقتدار با مفهوم قدرت و نفوذ پیوندی تنگاتنگ دارد و در همین راستا «رابرت دال» در توضیح اقتدار چنین می‌گوید که نفوذ رهبران سیاسی زمانی بر حق دانسته می‌شود که به سوی اقتدار معطوف می‌گردد که در این صورت اقتدار نوع ویژه‌ای از نفوذ یا نفوذ مشروع می‌باشد (Alam, 2001: 80). همچنین اقتدار در معنی قدرت قانونی، دارای سلسله مراتبی و مشروع است و اقتدار یکی از اشکال بسیار کارآمد نفوذ است، نه تنها مطمئن‌تر و پردوام‌تر از اجبار می‌باشد بلکه عاملی است که به رهبر کمک می‌کند تا بتواند با کمترین استفاده از منابع سیاسی به راحتی حکومت کند. به همین دلیل در نظریه‌های سیاسی درباره نهادها، تنها دولت است که حق کاربرد مشروع نیروهای پلیس و ارتش برای کاربست اقتدار خود دارد. از لحاظ نظریه‌ی اجتماعی کنونی، مشروعیت جزئی اساسی از کاربست اقتدار است، یعنی حاکمیت هنگامی حقانی، پایدار می‌شود که اصلی مشترک میان فرمانروا و فرمان‌گزار (مثلاً: رضایت، قانونیت، سنت داری) آن را توجیه کرده باشد. (Ashouri, 2013: 247-248). از سوی دیگر اقتدار را می‌توان قدرتی دانست که با سلسله‌مراتب روابط مردم همراه است و کسانی را که در بالای سلسله‌مراتب قرار دارند، قادر می‌سازد بر کسانی که در مراتب پایین‌تر قرار گیرند، فرمان برانند و آن‌ها را وادار به اطاعت کنند. یک جنبه زور است و جنبه دیگر قانون. اقتدار ممکن است انحصاراً بر این یا آن جنبه یا بر ترکیب‌های گوناگون زور و قانون متکی باشد (Alam, 2001: 100). حکومت غیر دموکراتیک، خواه به رهبری ریش‌سفیدان، روسای قبایل، پادشاهان و اشراف‌زادگان، امپراتوری‌ها، رژیم‌های نظامی با دولت‌های تک‌حزبی، در بخش اعظم تاریخ بشری نوعی هنجار بشمار می‌آمده است. تا دهه ۱۹۷۰ میلادی، سلطه حکومت‌های غیر دموکراتیک شایع‌تر از دموکراسی‌ها بوده است. به نظر می‌رسید که ابتدا فاشیسم و سپس کمونیسم به عنوان موج آینده جایگزینی دموکراسی شده باشند با وجود اینکه

جهان وارد عصر دموکراسی شده است. ولی هنوز رژیم‌های غیر دموکراتیک موجودیت خود را از دست نداده‌اند. (Broker, 2005:23) بنابراین می‌توان گفت که قدرت و زور، در اشکال مختلف مشروع و حتی نامشروع، در تمامی دولت‌ها و حکومت‌ها وجود دارند (Morgenthau, 2010:47). بدین ترتیب در حکومت‌های اقتدارگرا، هم قدرت و هم زور خود را در اشکال مختلف برای به بند کشیدن مردم در اختیار می‌گیرد. تا بهر طریق و ترتیبی شده، مردم حکومت اقتدارگرا را بپذیرند و فرامین و خواسته‌های آن‌ها را بکار بندند. در همین راستا برخی از پژوهشگران در مطالعه رژیم‌های حاکم غیر دموکراتیک بر این باور هستند که؛ کاربرد وسایل قهر و اجبار برای سرکوب مخالفان عامل تعیین‌کننده نهایی در فروپاشی و یا استمرار این رژیم‌ها به شمار می‌رود؛ و معتقدند که چنین امری توسط تعدادی زیادی از متفکران انقلاب‌ها نظیر بریتون، پاره تو، اسملسر، جانسون، گر، اسکاچ پول، تیلی، گودوین و گلدستون مورد توجه و تأکید بوده است (Panahi, 2011:29). خصوصاً تمام صاحب‌نظرانی که از رهیافت سیاسی و قدرت محور نسبت به انقلاب‌ها استفاده می‌کنند از این عقیده دفاع می‌نمایند با این اوصاف حکومت‌های اقتدارگرا و دیکتاتوری، خود با رفتار و اعمال خود، در نهایت وسیله اضمحلال و نابودی خود را در عمل زمینه‌سازی می‌کنند تا در شرایط و فرصت مناسب توسط مردم ساقط شوند. خلأ قدرت واحد متکی به آرای عمومی و تنوع جغرافیای انسانی مبتنی بر اقوام و گروه‌های نژادی با رویکردهای سیاسی متنوع در بین گروه‌های سیاسی تفاهم بر سر قدرت را با مشکل مواجه ساخته است. (Azimi Dolatabadi, 2017:42).

رویکرد نظر و مفهومی

در بحث مفاهیم و مبانی نظری موضوع پژوهش به برخی از مطالعات مرتبط اشاره می‌شود. ساختار اقتدارگرایانه: ویژگی ممیز اقتدارگرایی قدرت به شدت متمرکز و مجتمع است که با سرکوب سیاسی و طرد مخالفان بالقوه تثبیت می‌شود. این قدرت از احزاب سیاسی و تشکیلات توده‌ای برای بسیج مردم در جهت اهداف رژیم استفاده می‌کند. اقتدارگرایی بر قانون حاکمیت تأکید دارد و نه حاکمیت قانون، در این شکل از حکومت تصمیم‌های سیاسی از سوی گروهی برگزیده از مقامات و در پشت درهای بسته گرفته می‌شود، نوعی بروکراسی که گاه مستقل از قوانین عمل می‌کند که به خوبی بر مقامات منتخب نظارت ندارد. درحالی‌که ثبات سیاسی به وسیله‌ای کنترل بر نیروهای مسلح و حمایت از آن‌ها تأمین می‌شود، انواع کنترل‌های اجتماعی نیز برای خفه کردن جامعه مدنی به کار می‌رود، بروکراسی از سوی رژیم ترتیب داده می‌شود و وفاداری به نظام را از طریق ابزارهای مختلف جامعه‌پذیری و تلقین تأمین می‌کند. (Saburi, 2016:87)

حکومت‌ها و دولت‌هایی که ساختار اقتدارگرا دارند، اختیارات جامعه و مردم در دستان یک فرد بوده و او برای ملتش تصمیم می‌گیرد که چه چیزی خوب و چه چیزی ناپسند است. دستور وی حکم قانون دارد. تمامی منبع و درآمد کشور در اختیار وی بوده و به هرکس بخواهد می‌بخشد. از هر نوع آزادی‌ها ممانعت به عمل می‌آورد. خود را فراتر از قانون می‌داند. ساختار اقتدارگرا با شاخص‌های زیر قابل شناسایی است.

دیکتاتوری: استبداد یا دیکتاتوری (به فرانسوی: *dictature*) به عنوان شکلی خودکامه از دولت و نوعی حاکمیت قدرت مداری است که قوانین در آن توسط یک شخص تعریف می‌گردد.

از دیدگاه برخی از پژوهندگان، دیکتاتوری شکلی از حکومت است که قدرت اداره بدون رضایت افراد تحت حاکمیت (گونه‌ای شبیه به استبداد) است، در حالی که تمامیت‌خواهی توصیف یک دولت است که تقریباً در همه جنبه‌ها، رفتارهای دولتی و خصوصی مردم خود را تنظیم و راهبری می‌کند؛ به عبارت دیگر، دیکتاتوری مربوط به منبع قدرت حاکم و حکومت توتالیتر یا تمامیت‌خواه مربوط به دامنه قدرت حاکم است. در مفهوم سیاسی و بنا بر تعریف و ضوابط نوین جوامع انسانی، دیکتاتوری به رژیم نسبت داده می‌شود که تمامی قدرت در دست یک نفر یا یک گروه و یا یک حزب متمرکز باشد. این واژه در بسیاری از مواقع با بی‌رحمی و ستم همراه می‌شود. واژه دیکتاتور *Dictateur* از زبان فرانسه به فارسی راه یافته است. در نظام جمهوری روم، دیکتاتور فردی بود که به طور موقت قدرت ایالت‌ها را در طول جنگ بر عهده داشت و مقام او تنها برای ۶ ماه بود. مفهوم دیکتاتور در فرهنگ لغات معین خودرایی و مستبد معنی شده است. (<https://www.asriran.com/fa/news>، ۲۸/۰۲/۱۳۹۹:۸)

بحران، بحران سیاسی و انسانی:

بحران، بحران سیاسی و انسانی به معنای عام عبارت است از وضعیت ناپایداری. گرچه در اقتصاد به نقطه حسیض یا پائین ترین نقطه سطح فعالیت‌های اساسی اقتصاد، بحران می‌گویند، اما آن نیز بیشترین ناپایداری را در خود دارد. (Saburi, 2016:92). فرهنگ لغت امید بحران را به مفهوم آشفتگی می‌داند (272، Amid:2011) بحران سیاسی و انسانی پس از جنگ دوم جهانی در ادبیات علوم سیاسی، جایگاه ویژه‌ای برای خود باز کرد و اندیشمندان علم سیاست و جامعه‌شناسی در تبیین شرایط سیاسی جامعه از جهات مختلف؛ توسعه فرهنگی، اقتصادی و سیاسی پرداختند. بی‌نظمی و کاهش قدرت دولت مرکزی و عدم تسلط بر کشور، گسترش بی‌قانونی و بی‌نظمی، اقتصاد نابسامان و فقدان تولیدات داخلی که کل نظام را مختل می‌سازد. تعریف عملیاتی بحران سیاسی با شاخص‌های زیر سنجیده می‌شود. به‌طور کلی برای شناسایی عوامل ایجاد و استمرار یک بحران بین‌المللی، باید از شاخص‌هایی مانند تهدید ارزش‌های بنیادی، انجام اقدام‌های قاطعانه و نمایش خصومت به‌صورت آشکار استفاده کرد. بحران در واقع، واژه‌ای سیاسی است که از هم‌گسیختگی و بی‌نظمی شرایط را در منطقه‌ای جغرافیایی نشان می‌دهد (۱۳، pie: 2013).

بحران پدیده‌ای است که کارآمدی یک نظام را با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ به گونه‌ای که آن نظام در شرایط مفروض، با راهکارهای جاری، قادر به پاسخگویی به مسائل و مشکلات پیش‌آمده نیست و اولویت‌های سازمان یا نظام را مختل کرده و خود را در مرکز توجه نظام قرار داده و تلاش‌ها را متوجه خود می‌نماید. نظریه بحران اسپریگنز چهار مرحله دارد و هر مرحله بر مرحله قبلی بنیاد نهاده می‌شود. در مرحله اول، نظریه‌پرداز از بحران‌های سیاسی که جامعه با آن‌ها درگیر است، آغاز می‌کند. اکثر نظریه‌پردازان، آثار خود را در زمانی نگاشته‌اند که به‌طور فزاینده احساس می‌کردند جامعه‌شان دچار بحران است؛ بنابراین، اولین مسئله مشاهده و شناسایی مشکل جامعه است. مشاهده بی‌نظمی، عقل و احساس آدمی را به تحریک، غلیان و حرکت انداخته و وی را به سمت وسوی مرحله دوم که تشخیص علل آن است،

سوق می‌دهد. نظریه‌پرداز در مرحله دوم از پژوهش به ایفای نقش تحلیل‌گر می‌پردازد. وی باید شک و تردید را در درون خود گسترش و تعمیم داده و به جست‌وجوی علت اصلی مشکلات و نابسامانی‌ها که اغلب نهان از دیدها هستند، بپردازد. او به‌ناچار باید مرحله کاملاً دقیق و منحرف‌کننده دسته‌بندی روابط علت و معلولی را در این دنیای پیچیده پشت سر بگذارد؛ چراکه تا وقتی علل مشکل مورد سؤال روشن نشود، درک واقعی آن عملی نیست و از طرفی دیگر، نظریه‌پرداز بدون روشن شدن و تبیین علل واقعی بی‌نظمی‌ها، نمی‌تواند پیشنهادهای مناسب، راهگشا و کارسازی را به منظور درمان و یا تسکین مشکل ارائه دهد و انشقاق مکاتب مهم اندیشه سیاسی نیز از همین جا صورت می‌گیرد (26، 25: 2012، broacher).

انقلاب تونس

با خودسوزی یک جوان تونسی به نام محمد بو عزیز تظاهرات گسترده اجتماعی در تونس، شروع شد. وی قصد داشت تا بدون جواز سبزی و میوه بفروشد، چون با ممانعت پلیس مواجه شد، خود را در خیابان آتش زد و متعاقباً در بیمارستان درگذشت. این حادثه باعث شروع هفته‌ها تظاهرات خشونت‌آمیز خیابانی در سراسر تونس، در اعتراض به بیکاری، فساد و گرانی مواد غذایی شد و پس از چندی به شورش مردمی به تغییر رژیم و فرار رئیس‌جمهوری تونس انجامید. در پی ناآرامی‌ها و اعتراضات گسترده مردم تونس و کشته شدن ده‌ها نفر از معترضان، زین‌العابدین بن علی ابتدا دولت و مجلس را منحل کرد و سپس از قدرت کنار رفت و جای خود را موقتاً به محمد الغنوشی، نخست‌وزیر سپرد. وی به همراه خانواده‌اش به عربستان سعودی گریخت. پس از گذشت بیش از دو سال از بروز این انقلاب، رهبران این انقلاب با یکدیگر درگیر بوده و به هیچ‌یک از تعهدات انقلاب عمل نکرده و مردم این کشور کماکان با مشکلات خود دست‌وپنجه و نرم می‌کنند.

(سایت خبرگزاری خاورمیانه. <https://middiestppress.com>، ۹/۲۸/۱۳۹۲: ۲)

انقلاب مصر

اولین جرقه انقلاب در حقیقت در ۱۵ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی با تظاهرات شهروندان مصری در مقابل سفارت تونس که برای حمایت از انقلاب تونس بود آغاز شد. دو روز پس از این تظاهرات یک جوان مصری بانام عبده عبدالمنعم حماده جعفر خلیفه در اعتراض به بسته شدن رستوران خود و عدم توجه مسئولان به شکوائیه‌اش، در مقابل ساختمان مجلس شعب این کشور دست به خودسوزی زد. در پی گسترش اعتراضات و ناآرامی‌ها در مصر حسنی مبارک با دستور مستقیم خود به تمامی نیروهای امنیتی کشور دستور شلیک گلوله به طرف تظاهرکنندگان را صادر نمود و نیروی هوایی را به حالت آماده‌باش درآورد. اعتراضات مردم در نهایت باعث گردید تا حسنی مبارک دولت را برکنار سازد و عمر سلیمان رسماً به‌عنوان نخست‌وزیر جدید مصر منصوب نماید. عمر سلیمان تا قبل از آن رئیس دستگاه امنیتی در مصر بود. پس از کش‌وقوس‌های فراوان میان مخالفان مبارک و اختلافات رهبران احزاب مصر، عاقبت «محمد مرسی» در انتخابات تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۱۲ میلادی «محمد مرسی» بر اساس آمار رسمی در رقابت با احمد شفیق با اختلاف اندکی به پیروزی دست‌یافت و بدین ترتیب یکی از پیروان اخوان المسلمین به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور مصر پس از انقلاب

انتخاب و منصوب شد یک سال پس از تحلیف محمد مرسی، موج جدیدی از اعتراضات علیه دولت انقلابی وی شکل گرفت که نهایتاً در سوم ژوئیه ۲۰۱۳ طی کودتایی به سقوط دولت منجر گردید و ارتش، «عدلی منصور» رئیس دادگاه قانون اساسی مصر را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت دولت انتقالی برای برگزاری انتخابات زودهنگام تعیین نمود.

انقلاب یمن

اعتراضات سرا سری در یمن مجموعه‌ای از راهپیمایی‌های خیابانی، اعتراضات علیه حکومت یمن و رئیس‌جمهور آن، علی عبدالله صالح است که از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، در این کشور آغاز شده و در ۳ فوریه معروف به روز خشم، تظاهرات مخالفین به اوج خود رسید که با برخوردهای خونین و خشونت‌آمیز حاکمیت و نیروهای وابسته با مردم معترض همراه گردید. شدیدترین برخورد در ۱۸ مارس مشهور به جمعه خونین صورت گرفت که ۵۰ کشته و ۲۴۰ مجروح داشت؛ اما به دلیل عدم همبستگی مردم و چنددستگی گروه‌های مردمی و نداشتن رهبری واحد، مردم یمن نتوانستند بر دیکتاتوری علی عبدالله صالح پیروز شوند هرچند صالح به عربستان فرار کرد و یک حکومت انتقالی تعیین گردید، اما دخالت‌های خارجی موجب شد تا بین گروه‌های طرفدار دولت موقت و گروه‌های مخالف آن درگیری پیش آید و همین امر موجب دخالت عربستان و شرکاء شد و در نتیجه امروزه یمن به یک کشور بسیار ضعیف و فقیر و مریض تبدیل شده است و هر گروه بخشی از کشور در دستان خوددارند و مردم بیچاره در فقر و بدبختی زندگی می‌کنند. (سایت خبرگزاری خاورمیانه (<https://middiestppress.com>) / ۲۸/۲/۱۳۹۴: ۷).

در راستای تحلیل و تبیین ساختار اقتدارگرایی حکومت قذافی و شکل‌گیری بحران سیاسی در کشور لیبی مطالعاتی در کشورمان و در سایر جوامع صورت گرفته است که به صورتی بسیار خلاصه به آن‌ها اشاره می‌گردد. حسام قاضی (۱۳۹۱) در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه به ساختار سیاسی اجتماعی لیبی و چشم‌انداز دموکراسی پرداخته‌اند و احتمال عدم برقراری دموکراسی را داده‌اند. سردار نیا و عمویی (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان «تحلیل انقلاب لیبی و چالش‌های فراروی حکومت پسااقتدارگرا از منظر بحران هویت و آمریت» انجام داده‌اند. نویسندگان ابتدا به ماهیت متفاوت جامعه‌شناختی لیبی با انقلاب مصر و تونس پرداخته‌اند و پس از آن به بحران هویت، به دلیل قوم‌گرایی و آمریت که همان اقتدارگرایی متلاشی‌شده در دوره قذافی است.

و امام‌جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «شکل‌گیری جامعه مدنی در لیبی پس از قذافی: ضرورت‌ها، موانع و راهکارها» نگارش نموده‌اند. آنان باور دارند که قذافی مانع شکل‌گیری جامعه مدنی بوده و نیروهای حاکم در ساختار دولت پس از قذافی نیز این تمایل مشاهده نمی‌شود؛ و مجتهد زاده با همکاری نبی زاده (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان «تبیین مفهوم مداخله بشردوستانه در حقوق بین‌الملل با تأکید بر قضیه لیبی» مداخله نیروهای ناتو به سرکردگی آمریکا را با توجه با حقوق بین‌الملل امری بشردوستانه ارزیابی نموده است. کوهکن (۱۳۹۰) مقاله پژوهشی تحت عنوان «نقش رسانه‌ها در انقلاب لیبی» به نگارش درآورده است. در این مقاله چنین بیان می‌دارد که انقلاب مردم لیبی در چارچوب کلی بیداری اسلامی در منطقه قابل توضیح است. از سویی دیگرهاشمی نسب و سعادت (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل بحران‌زا در سامان سیاسی نوین لیبی»، نویسندگان بر این باور

هستند که سقوط رژیم اقتدارگرا و قبیله محور قذافی پس از کشته شدن وی در جریان جنگ داخلی لیبی به دست انقلابیون، یک پرسش اساسی در رابطه با ساختار سیاسی آینده این کشور را مطرح می‌سازد. پاسخ این پرسش عمدتاً در حول و حوش عوامل ایجاد بحران که همان سال‌ها حاکمیت اقتدارگرایی قذافی است، قرار دارد. علایی (۱۳۹۱)، در فصلنامه راهبرد، مقاله‌ای تحت عنوان «نقش شورای امنیت سازمان ملل در فروپاشی نظام قذافی» چاپ کرده‌اند، به نقش سازنده سازمان ملل از طریق مصوباتی که زمینه‌ساز مداخله در امور لیبی بود و موجبات مداخله نظامی را مشروع ساخت، بدون شک از نقش بسزایی در سقوط حکومت اقتدارگرایی قذافی داشته است. موسوی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «علل و ریشه‌های خیزش مردم کشورهای لیبی و یمن ۲۰۱۰-۲۰۱۱ میلادی، انجام داده‌اند، به نقش نیروهای مردمی و نوع خواسته‌های مردم این دو کشور در قالب تفاوت این دو خیزش اشاره دارد. ضرورت دارد تا در اینجا به دو پایان‌نامه که پیرامون لیبی انجام یافته است، اشاره شود. نخست؛ ملیحه گودرزی (زمستان ۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان: مقابله با بحران‌های انسانی خاورمیانه در پرتو دکترین مسئولیت حمایت با تأکید بر رویدادهای سوریه و لیبی؛ بارهنمایی استاد شریفی طرازکوهی و مشاوره استاد آل‌کجیاف، انجام یافت است. وی پس از پرداختن به بحران انسان در سوریه و لیبی، اقدام مسئولیت حمایت را در لیبی برای سوریه نیز ضروری دانسته‌اند؛ و فرشته ریاضی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای خود با عنوان: تبیین مصادیق جنایات علیه بشریت در حوادث لیبی بانظربه واکنش‌های سازمان‌های بین‌المللی؛ وقایع حادث‌شده و خشونت‌های عمیق و گسترده در انقلاب لیبی را مورد تبیین و تحلیل قرار داده‌اند.

مطالعات فوق نشان می‌دهد که هر یک به مورد یا مواردی اشاره کردند که جامعیت لازم را در بیان اقتدارگرایی حکومت قذافی و شکل‌گیری بحران را ندارند. بلکه به صورت کلی به بیان و تحلیل موضوع پرداختند. در حالی که این مقاله صرفاً به نقش اقتدارگرایی قذافی در پیدایش بحران منجر به انقلاب و بحران پس از انقلاب می‌پردازد. ضمن تحلیل و تبیین نظری، آزمون داده‌های گردآوری، به‌ویژه در مورد وجود رابطه بین اقتدارگرایی دولت قذافی و شکل‌گیری بحران پس از انقلاب را به‌خوبی نشان می‌دهد. این ویژگی نشانگر وجه تمایز این پژوهش با سایر تحقیقات و مقاله‌ها می‌باشد.

منطقه مورد مطالعه

لیبی کشوری در آفریقای شمالی با ۱٬۷۵۹٬۵۴۱ کیلومتر مربع وسعت و دارای ۶، ۸۷۱، ۰۰۰ نفر جمعیت است. لیبی از شرق با مصر، از جنوب سودان، چاد، نیجر و از غرب با الجزایر و تونس هم‌مرز است؛ و همچنین از شمال به دریای مدیترانه محدود می‌شود. پایتخت لیبی، شهر طرابلس است. ۱۰۷ میلیون نفر از جمعیت لیبی در پایتخت این کشور، طرابلس، زندگی می‌کنند. معنای نام لیبی از جمله یونانی *libyans* به معنای قوم بربر می‌باشد. زبان رسمی لیبی عربی است، ولی زبان بربری هم در میان اقلیتی از مردم این کشور رواج دارد. اکثر مردم در این کشور پیرو دین اسلام می‌باشند. ۹۷ درصد مردم لیبی از پیروان اهل تسنن هستند. کرانه مدیترانه و صحرای بزرگ آفریقا برجسته‌ترین ویژگی‌های طبیعی این کشور هستند. پیرامون ۹۰ درصد از سرزمین لیبی را بیابان و صحراهای بی آب و علف

پوشانده‌است. مناطق نسبتاً سرسبز لیبی در کناره‌های دریای مدیترانه قرار گرفته‌است. هیچ رودخانه دائمی در خاک لیبی وجود ندارد و تنها ۲ درصد خاک آن کاربرد کشاورزی دارد. بخش عمده مواد غذایی مورد نیاز مردم لیبی از خارج وارد می‌شود. لیبی از دید تراکم جمعیت، یکی از کم تراکم‌ترین کشورهای دنیاست. ۹۰ درصد از جمعیت ۲/۷ میلیون نفری این کشور در باریکه‌ای از کناره‌های مدیترانه‌ای این کشور زندگی می‌کنند و در مناطق دیگر تنها قبیله‌های بیابانگرد (بدوی) روزگار می‌گذرانند. لیبی به‌طور سنتی به سه منطقه اصلی به نام‌های «اقلیم طرابلس»، «فزآن» و «برقه» بخش می‌شود که این سه منطقه در زبان‌های غربی به ترتیب Tripolitania و Fezzan و Cyrenaica نامیده می‌شوند. کشور لیبی یکی از ۱۰ کشور اصلی صادرکننده نفت در جهان است و تولید ناخالص ملی سرانه آن جزو بالاترین‌ها در آفریقا است، لیبی به صورت «پادشاهی لیبی» در سال ۱۹۵۱ به استقلال رسید و از سال ۱۹۶۹ تا سال ۲۰۱۱ توسط معمر قذافی که با انجام یک کودتای نظامی بر سر کار آمد رهبری شد؛ در سال ۲۰۱۱ و پیروزی نسبی مخالفین قذافی، بخش اعظمی از لیبی در کنترل شورای ملی انتقالی اداره می‌شد. کرسی لیبی در سازمان ملل از تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۱ به نماینده شورای ملی انتقالی سپرده شده است.



نقشه ۱: موقعیت منطقه ای لیبی منبع: <https://izwest.livejournal.com>

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های اقتدارگرایی به شرح زیر ردیف شده اند:

فقدان آزادی بیان، فقدان آزادی بیان، فقدان آزادی دین، فقدان آزادی انتخاب حزب سیاسی، فقدان انتخابات آزاد، فقدان رسانه‌های آزاد و غیر وابسته به حکومت، فقدان توزیع قدرت سیاسی، عدم استقلال احزاب و نهادهای سیاسی، عدم احترام به حاکمیت قانون، عدم توجه به باورهای جامعه و بالا بودن بودجه نظامی.

شاخص‌های بحران سیاسی و انسانی به شرح زیر ردیف شده اند:

آشفته‌گی نظام، روبرو شدن با انواع چالش‌ها، ناتوانی در پاسخگویی، تبدیل بحران سیاسی به بحران‌های فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی، نابسامانی اقتصاد، کاهش تولیدات داخلی و اختلال در کارکرد نظام سیاسی.

مقیاس اندازه‌گیری شاخص‌ها (مقیاس لیکرت) و وزن آن‌ها (بسیار زیاد (۵)، زیاد (۴)، متوسط (۳)، کم (۲))، بسیار کم (۱) و تعیین شده است. جامعه آماری در این پژوهش، شامل تمام منابع و متون نوشتاری، کلیه مقالات و رساله‌ها و وبسایت‌هایی است که پیرامون ساختار اقتدارگرایانه دولت قذافی و بحران پس از سقوط وی نگارش یافته‌اند و پژوهشگر توانسته به آن‌ها دسترسی داشته باشد. جهت گردآوری منابع و اطلاعات مورد نیاز مطالعه، از شیوه گلوله برفی استفاده شده است.

فهرست عناوین مقالات استفاده شده به تفکیک، عنوان مقاله، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، نام مجله، سال و شماره چاپ: در جدول (۱) با استفاده از تحلیل محتوا، شاخص‌های اقتدارگرایی و بحران‌های سیاسی و انسانی را در مقالات ذیل، بررسی و شمارش شده است؛ و پس از تهیه جدول فراوانی، نسبت به وزن دهی آن‌ها مبادرت گردید.

جدول (۱) فهرست مقالات مورد استفاده برحسب عنوان مقاله و سایر مشخصات

ردیف	عنوان مقاله	نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان	نام مجله	سال و شماره چاپ
۱	نقد رویکرد و دموکراتیزاسیون و قرانت آن از تغییران سیاسی جهان عرب	عظیمی دولت‌آبادی، امیر و دیگران	فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام	سال سوم، شماره ۹، ۱۳۹۳
۲	کاربست دکترین مسئولیت حمایت در بحران لیبی	سبیر، رضا و قربانی، وحید	پژوهشنامه حقوق کیفری	سال سوم، شماره اول، ۱۳۹۱
۳	جامعه‌شناسی خیزش مردم لیبی	سلیمی، فاطمه	فصلنامه رشد علوم اجتماعی	شماره ۵۹، تابستان ۱۳۹۲
۴	تحولات لیبی و دکترین مسئولیت حمایت	دادالدیش، پروین	فصلنامه راهبرد،	سال بیست و دوم، شماره ۶۲، بهار ۱۳۹۱
۵	ساختار سیاسی - اجتماعی لیبی و چشم‌انداز دموکراسی	حسام قاضی، روزان	پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه	۴ شهریورماه ۱۳۹۱
۶	مروری بر ریشه‌های ناامنی در لیبی از علل داخلی تا مداخله قدرت‌های بزرگ	رضا رضائیان	فصلنامه پیام انقلاب	شماره ۷۸، دی‌ماه ۱۳۹۲
۷	تحلیل انقلاب لیبی و چالش‌های فراروی حکومت پس از اقتدارگرا از منظر بحران هویت و آمریت.	خلیل الله سردارنیاورضا عمومی	فصلنامه روابط خارجی،	سال ششم، شماره اول، بهار ۱۳۹۷
۸	مدل انقلاب لیبی و رواج مفاهیم مخاطره‌آمیز	سید حسین موسوی	فصلنامه مطالعات استراتژیک خاورمیانه (سخن فصل)	تابستان ۱۳۹۳
۹	بهار عرب در کشورهای مصر، تونس، لیبی و سودان	کاظم ودیعی	نشریه گزارش	شماره ۲۴۹، مردادماه ۱۳۹۲
۱۰	بحران لیبی؛ ریشه‌های داخلی و بین‌المللی و آینده آن	سید روح‌الله لطیفی رستمی	خبرگزاری تسنیم،	۲۷ اسفند ۱۳۹۵
۱۱	آینده سیاسی لیبی (با تأکید بر ائتلاف ژنرال حفتر و سیسی)	قاسمی، مصطفی	مطالعات راهبردی جهان اسلام	بهار ۱۳۹۶ شماره ۶۹
۱۲	تحلیل انقلاب و تحولات لیبی پس از قذافی	چوگانی، حسن؛ صفری، فاطمه؛	مجله: مطالعات حقوق	زمستان ۱۳۹۵ شماره پنجم
۱۳	علل ناکامی در کاربرد، سازوکارهای عدالت انتقالی و تأثیر آن بر بی‌سامانی سیاسی در لیبی پساقذافی	ذاکریان، مهدی؛ عمادی، سید رضی	مجله: رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی	بهار ۱۳۹۵ شماره ۴۵

Source: Research Findings

فهرست عناوین کتب استفاده شده به تفکیک، عنوان کتاب، نام و نام خانوادگی نویسنده یا نویسندگان، نام مترجم در صورت ترجمه، سال، محل چاپ و انتشارات: در جدول (۲) با استفاده از تحلیل محتوا، شاخص‌های اقتدارگرایی

و بحران‌های سیاسی و انسانی را در کتاب‌های ذیل، بررسی و شمارش شده است؛ و پس از تهیه جدول فراوانی، نسبت به وزن دهی آن‌ها مبادرت گردید.

جدول (۲) فهرست کتب مورد استفاده برحسب عنوان کتاب و سایر مشخصات

ردیف	عنوان کتاب	نام و نام خانوادگی نویسنده یا نام مترجم در صورت ترجمه	سال، محل چاپ	انتشارات
۱	ناسیونالیسم و مدرنیسم	اسمیت، آنتونی دی	تهران: ۱۳۹۱	نشر ثالث
۲	فروپاشی نظام‌های عربی، مقدمه‌ای بر نظم نوین اسلامی	گردآوری؛ مصطفی اسماعیلی	تهران ۱۳۹۴	انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)
۳	انقلاب در کشورهای عربی؛ واکاوی ریشه‌ها و عوامل	بهجت فرنی	تهران ۱۳۹۱	موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
۴	کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب	سید امیر تیاکونی	تهران: ۱۳۹۱	نشر میزان
۵	گذار به دموکراسی یا شبه اقتدارگرایی	اوتاوی، مارینا	تهران ۱۳۸۶	نشر قومس
۶	جامعه‌شناسی سیاسی	بشیریه، حسین	تهران ۱۳۹۵	انتشارات قومس
۷	بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی	پای، دبلیو، لوسین و دیگران	تهران ۱۳۹۲	نشریه مطالعات راهبردی
۸	خلع سلاح لیبی	جتلسون، بروس	تهران: ۱۳۹۰	انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک
۹	جامعه‌شناسی سیاسی کلان: تحلیلی بین کشوری، از بی ثباتی سیاسی	طالبان، محمدرضا	تهران ۱۳۸۹	انتشارات جامعه‌شناسان
۱۰	گزارشی پیرامون خیزش اسلامی کشور لیبی و تحولات اخیر آن	عبداللهی، سید صابر	تهران ۱۳۹۰	انتشارات ماه مرداد
۱۱	جامعه‌شناسی قومیت	مالشویچ، سینیشا	تهران ۱۳۹۰	انتشارات آمه
۱۲	سیاست میان‌ملت‌ها	مورگنتا، هانس، جی	تهران: ۱۳۹۳	مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌المللی

Source: Research Findings

فهرست عناوین پایان‌نامه‌های استفاده شده به تفکیک، عنوان پایان‌نامه، نام و نام خانوادگی دانشجو، نام استاد راهنما، سال، رشته و مقطع تحصیلی، و نام دانشگاه: در جدول (۳) با استفاده از تحلیل محتوا، شاخص‌های اقتدارگرایی و بحران‌های سیاسی و انسانی را در پایان‌نامه‌های ذیل، بررسی و شمارش شده است؛ و پس از تهیه جدول فراوانی، نسبت به وزن دهی آن‌ها مبادرت گردید.

جدول (۳) فهرست پایان‌نامه‌های مورد استفاده برحسب عنوان پایان‌نامه و سایر مشخصات

ردیف	عنوان پایان‌نامه	نام و نام خانوادگی نام استاد راهنما	سال، رشته و مقطع تحصیلی	نام دانشگاه
۱	موازن حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه در بحران انسانی لیبی	علی فرمانیان	بین‌الملل حقوق کارشناسی ارشد	دانشکده الهیات؛ علوم اسلامی و حقوق، دانشگاه تهران
۲	بررسی نقش مؤلفه‌ها و شکاف‌های قومی- قبیله ای در تحولات سال ۲۰۱۱ لیبی	رضا عمویی	رشته مطالعات منطقه‌ای کارشناسی ارشد	دانشگاه علامه طباطبایی
۳	انقلاب لیبی و دوران پساقذافی	حمیدرضا هزبر زارع	رشته علوم سیاسی، کارشناسی ارشد	دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب
۴	بررسی ناکامی نظم سازی در لیبی بعد از بهار عربی تا روی کار آمدن دولت توافق ملی	حسن ابهری	روابط بین‌الملل، ارشد	دانشگاه فردوسی مشهد
۵	نقش دیوان کفبری بین‌المللی در صلح جهانی با تأکید بر پرونده سارا سودان و لیبی	سارا قنبری	دانشکده حقوق کارشناسی ارشد	دانشگاه قم

۶	دکترین مسئولیت حمایت در حقوق بین‌الملل، مورد: بحران لیبی	جواد فامیل زوار جلالی	رضا سیمبر	پردیس بین‌المللی، کارشناسی ارشد ۱۳۹۰	دانشگاه گیلان
۷	نقش بیداری اسلامی بر توسعه دموکراسی در کشورهای مصر، تونس و لیبی	سید محمد هدایت	حسین مسعود نیا	گروه علوم سیاسی ۱۳۹۲	دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم اداری
۸	بیداری اسلامی در خاورمیانه، مطالعه موردی لیبی و عربستان سعودی	لیلا احمدی	سید امیر نیاکونی	دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ارشد ۱۳۸۳	دانشگاه گیلان
۹	ابعاد حقوقی بین‌المللی توسل به زور در لیبی	جمال حسن‌پور	منوچهر توسلی نائینی	ارشد گرایش حقوق بین‌الملل ۱۳۹۳	وزارت علوم تحقیقات و فناوری، موسسه آموزش عالی شهید اشرفی
۱۰	مقابله با بحران‌های انسانی خاورمیانه در پرتو دکترین مسئولیت حمایت با تأکید بر رویدادهای سوریه و لیبی	ملیحه گودرزی	حسین شریفی طراز کوهی	گروه حقوق کارشناسی ارشد ۱۳۹۰	دانشگاه پیام نور دانشکده علوم انسانی

Source: Research Findings

فهرست عناوین وب‌سایت‌های استفاده شده به تفکیک، عنوان مطلب، نام و نام خانوادگی نویسنده یا گزارشگر، تاریخ چاپ و آدرس وب سایت: در جدول (۴) با استفاده از تحلیل محتوا، شاخص‌های اقتدارگرایی و بحران‌های سیاسی و انسانی را در وب‌سایت‌های ذیل، بررسی و شمارش شده است؛ و پس از تهیه جدول فراوانی، نسبت به وزن دهی آن‌ها مبادرت گردید.

جدول (۴) فهرست وب‌سایت‌های مورد استفاده برحسب عنوان مطلب و سایر مشخصات

ردیف	عنوان مطلب	نام و نام خانوادگی نویسنده یا گزارشگر	تاریخ چاپ در وب‌سایت	آدرس وب سایت
۱	روان شناسی دیکتاتورها	پالسی، فارین	۲۰۱۴	www.farsnews.com
۲	تئوری دیکتاتوری نظامی	وب‌سایت از دنیای اقتصاد	۱۳۹۵	donya-e-eqtesad.com
۳	نگاهی به مفاهیم دیکتاتوری و استبداد	مجله عصر نو	۱۳۹۶	https://www.asrno.rzb.ir
۴	A vision of a democratic Libya	Guardian	۲۰۱۲	www.theguardian.com
۵	Libyan rebels pledge free and fair election	Reuters	۲۰۱۱	https://www.reuters.com
۶	Time running out for cornered Gaddafi	ABC News	۲۰۱۴	www.abcnews.com
۷	Libya: Muammar Gaddafi subject to ICC arrest warrant	BBC News	۲۰۱۱	https://www.bbc.co.uk
۸	Gadhafi 'blasts' 'crusader' aggression after strikes	MSNBC	۲۰۱۳	https://www.msnbc.com
۹	Libyan rebel forces penetrate Qaddafi's compound	CNBCNews	۲۰۱۳	https://www.cnn.com
۱۰	گریز از لیبی؛ نگاهی به واقعیت اوضاع پناه‌جویان در لیبی	خبرگزاری مرکوپرس	۲۰۱۹	en.mercopress.com
۱۱	درگیرهای لیبی؛ کنترل و فروش نفت در دست کیست؟	خبرگزاری رویترز	۲۰۱۸	www.reuters.com
۱۲	آخرین وضعیت در لیبی	خبرگزاری آسیا نیوز	۲۰۱۹	www.asianews.it
۱۳	جنگ داخلی لیبی ۲۰۱۴ تاکنون	خبرگزاری سی ان ان	۲۰۱۹	www.edition.cnn.com

Source: Research Findings

از مجموع اطلاعات موجود در کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و وب‌سایت‌های مجازی، تعدادی را که متغیر مستقل اقتدارگرایی و متغیر وابسته بحران سیاسی و انسانی مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته بودند، به‌عنوان نمونه آماری مورد مطالعه متغیرها قرار گرفت. تعداد نمونه‌های آماری با توجه به نوع متغیر مستقل تفاوت دارند. علاوه بر توصیف داده‌ها در جداول تک‌بعدی فراوانی‌ها و نمودارها، برای تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های گردآوری شده از جداول

دوبعدی و از آزمون ضریب همبستگی (۳) و سایر آمارهای موجود در «SPSS-26» استفاده شده و در نهایت جهت تعیین میزان رابط معنی‌داری متغیرها از رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌های تحلیلی پژوهش:

نحوه توزیع اطلاعات جمع‌آوری شده پیرامون منابع مورداستفاده در پژوهش (جدول ۵) چنین بیان می‌دارد. ۲۷/۰۹ درصد از منابع نمونه آماری این پژوهش مقاله، ۲۵ درصد منابع کتاب، ۲۰/۸۲ درصد پایان‌نامه و ۲۷/۰۹ درصد وب‌سایت می‌باشد.

جدول (۵) توزیع فراوانی منابع جمع‌آوری اطلاعات

منبع	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
مقاله	۱۳	۲۷/۰۹	۲۷/۰۹
کتاب	۱۲	۲۵	۵۲/۰۹
پایان‌نامه	۱۰	۲۰/۸۲	۶۲/۰۹
وب‌سایت	۱۳	۲۷/۰۹	۱۰۰
جمع	۴۸	۱۰۰	-

Source: Research Findings

(جدول ۶) حاوی داده‌های مربوط به متغیر اقتدارگرایی است. یافته‌ها حاکی از آن است که در ۱۰ مورد معادل ۱۳ درصد از مشاهدات، اقتدارگرایی کم و ۵۵ مورد معادل ۷۱/۴ درصد از مشاهدات اقتدارگرایی متوسط و در ۱۲ مورد معادل ۱۵/۶ درصد از مشاهدات اقتدارگرایی زیاد است.

جدول (۶) توزیع فراوانی یافته‌ها برحسب شاخص، اقتدارگرایی

تعداد	اقتدارگرایی		
	کم	متوسط	زیاد
۱۰	۵۵	۱۲	-
جمع	۱۳	۷۱/۴	۱۵/۶
درصد	۱۳	۷۱/۴	۱۵/۶

Source: Research Findings

یافته‌های مربوط به دو متغیر اقتدارگرایی و بحران سیاسی و انسانی در (جدول ۷) حاکی از آن است که در ۱۸/۲ درصد از مشاهدات، بحران سیاسی و انسانی متوسط و اقتدارگرایی کم می‌باشد و در ۷۵ درصد از مشاهدات بحران سیاسی کم و اقتدارگرایی متوسط است. در ۶/۸ درصد از مشاهدات بحران سیاسی و انسانی متوسط و اقتدارگرایی زیاد است. همچنین در ۶/۱ درصد از مشاهدات بحران سیاسی و انسانی زیاد و اقتدارگرایی کم می‌باشد و در ۶۶/۷ درصد از مشاهدات بحران سیاسی و انسانی زیاد و اقتدارگرایی متوسط است. در ۲۷/۳ درصد از مشاهدات بحران سیاسی و انسانی زیاد و اقتدارگرایی زیاد است.

جدول (۷) جدول دوبعدی اقتدارگرایی - بحران سیاسی و انسانی

جمع	اقتدارگرایی		
	کم	متوسط	زیاد
تعداد	۸	۳۳	۳
درصد	۱۸/۲	۰/۷۵	۶/۸
تعداد	۲	۲۲	۹
درصد	۶/۱	۶۶/۷	۲۷/۳
تعداد	۱۰	۵۵	۱۲
درصد	۱۳	۷۱/۴	۱۵/۶
جمع	۱۳	۷۱/۴	۱۵/۶

Source: Research Findings

متغیر مستقل اقتدارگرایی:

اطلاعات (جدول ۸) نحوه توزیع متغیر اقتدارگرایی را نشان می‌دهد. میانگین اقتدارگرایی کلی ۲۹/۵۰ با انحراف معیار و واریانس ۴/۲۳، ۱۷/۹۶ می‌باشد. توزیع این متغیر اندکی چوله به چپ (ضریب چولگی، ۰/۴۰-) بوده و از توزیع نرمال به میزان ناچیزی بلندتر (ضریب کشیدگی ۰/۱۶) است.

جدول (۸) آماره‌های توصیفی متغیر مستقل اقتدارگرایی

منابع	میانگین	میان	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداک	دامنه تغییرات
مقاله	۲۸/۸۲	۲۹	۴/۹۵	۲۴/۵۱	-۰/۱۹	-۰/۴۹	۱۹	۳۸	۱۹
کتاب	۳۱	۲۹/۵۰	۳/۴۶	۱۲	۰/۴۵	-۱/۳۳	۲۶	۳۶	۱۰
پایان‌نامه	۳۱/۰۵	۳۱/۵۰	۳/۹۶	۱۵/۷۳	-۱/۱۷	۲/۳۸	۲۰	۳۸	۱۸
وبسایت	۲۷/۳۳	۲۹	۳/۱۴	۹/۸۸	-۱/۵۲	۱/۶۲	۲۰	۳۰	۱۰
کل	۲۹/۵۰	۲۹	۴/۲۳	۱۷/۹۶	-۰/۴۰	۰/۱۶	۱۹	۳۸	۱۹

Source: Research Findings

متغیر وابسته بحران سیاسی و انسانی:

اطلاعات (جدول ۹) نحوه توزیع متغیر بحران سیاسی و انسانی را نشان می‌دهد. میانگین بحران سیاسی و انسانی کل ۲۳/۹۸ و میان ۲۴، با انحراف معیار و واریانس ۳/۲۳، ۱۰/۴۳ می‌باشد. توزیع این متغیر اندکی چوله به چپ (ضریب چولگی، ۰/۲۹-) بوده و از توزیع نرمال بلندتر (ضریب کشیدگی ۱/۹۹) است.

جدول (۹) آماره‌های توصیفی متغیر وابسته بحران

منابع	میانگین	میان	انحراف معیار	واریانس	چولگی	کشیدگی	حداقل	حداک	دامنه تغییرات
مقاله	۲۴/۳۴	۲۵	۴/۴۲	۱۹/۶۰	-۰/۶۴	۰/۳۸	۱۵	۳۳	۱۸
کتاب	۲۳/۷۵	۲۴	۲/۰۴	۴/۲۰	۰/۳۳	۰/۴۵	۲۰	۲۸	۸
پایان‌نامه	۲۴/۴۰	۲۴	۲/۷۶	۷/۶۲	۱/۶۳	۴/۵۲	۲۰	۳۳	۱۳
وبسایت	۲۳/۲۷	۲۴	۲/۸۴	۸/۰۹	-۱/۵۹	۳/۲۸	۱۵	۲۷	۱۲
کل	۲۳/۹۸	۲۴	۳/۲۳	۱۰/۴۳	-۰/۲۹	۱/۹۹	۱۵	۳۳	۱۸

Source: Research Findings

در بررسی رابطه ساختار اقتدارگرایانه دولت قذافی در پیدایش بحران سیاسی و انسانی پس از وی می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون رابطه این دو متغیر در (جدول ۱۰) حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر است. میزان t, f محاسبه شده بزرگ‌تر از میزان جدول است، بنابراین بین این متغیرها رابطه معنی‌دار وجود دارد. ضریب همبستگی دو متغیر برابر با ۰/۵۳ و نشان‌دهنده همبستگی معنادار بین این متغیرهاست ($\text{Sig.}=.000$). ضریب تعیین برابر با ۲۸ درصد است که بیانگر آن است که ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی بحران سیاسی و انسانی توسط اقتدارگرایی تبیین می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر اقتدارگرایی و بحران سیاسی و انسانی همبستگی معنادار وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول (۱۰) همبستگی اقتدارگرایی و بحران سیاسی، انسانی

متغیرها	R	R2	Std.E	F	DF	Sig.	B	t	Std.E	Beta	Sig.
اقتدارگرایی- سیاسی، انسانی	0/53	0/28	2/22	29/14	57	.000	0/31	5/39	0/057	0/53	.000

Source: Research Findings

نتایج حاصل از آزمون رابطه این دو متغیر اقتدارگرایی و بحران سیاسی و انسانی در جدول (جدول ۱۱) حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر است. میزان t, f محاسبه شده بزرگ‌تر از میزان جدول است، بنابراین بین این متغیرها رابطه معنی‌دار وجود دارد. ضریب همبستگی دو متغیر برابر با ۰/۵۳ و نشان‌دهنده همبستگی معنادار بین این متغیرهاست ($Sig=.000$). ضریب تعیین برابر با ۲۸ درصد است که بیانگر آن است که ۲۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی بحران سیاسی و انسانی توسط اقتدارگرایی تبیین می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که بین دو متغیر اقتدارگرایی و بحران سیاسی و انسانی همبستگی معنادار وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون فرضیه فوق تأیید می‌شود.

جدول (۱۱) ضرایب رگرسیون

متغیر	ضرایب غیراستاندارد		ضرایب استاندارد		معناداری
	B	خطای استاندارد	Beta	t	
مقدار ثابت	۲/۴۸	۲/۹۱	-----	۰/۸۵	۰/۳۹۷
اقتدارگرایی	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۲۱	۱/۹۷	۰/۰۴۲
تروریسم	۰/۱۴	۰/۰۷	۰/۲۰	۲/۰۳	۰/۰۴۶
دول خارجی	۰/۲۵	۰/۰۸	۰/۳۳	۳/۲۳	۰/۰۰۲
منابع نفتی	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۲۰	۲/۰۵	۰/۰۴۳
ناهمگنی قومی	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۳۰	۰/۷۶۰

Source: Research Findings

ضریب رگرسیون استاندارد اقتدارگرایی ۰/۲۱ و معنادار ($p<0/01$) می‌باشد که نشان می‌دهد با هر واحد افزایش در اقتدارگرایی، می‌توان انتظار ۰/۲۱ افزایش در پیدایش بحران سیاسی و انسانی را داشت. ضریب رگرسیون استاندارد تروریسم ۰/۲۰ و معنادار ($p<0/01$) می‌باشد که نشان می‌دهد با هر واحد افزایش در تروریسم، می‌توان انتظار ۰/۲۰ افزایش را در پیدایش بحران سیاسی و انسانی داشت. ضریب رگرسیون استاندارد نقش دول غربی ۰/۳۳ و معنادار ($p<0/01$) می‌باشد که نشان می‌دهد با هر واحد افزایش در نقش دول غربی، می‌توان انتظار ۰/۳۳ افزایش در بحران سیاسی و انسانی داشت. ضریب رگرسیون استاندارد مبارزه بر سر منابع نفتی ۰/۲۰ و معنادار ($p<0/01$) می‌باشد که نشان می‌دهد با هر واحد افزایش در مبارزه بر سر منابع نفتی، می‌توان انتظار ۰/۲۰ افزایش را در پیدایش بحران سیاسی و انسانی داشت. ضریب رگرسیون استاندارد ناهمگنی قومی در مناطق مختلف لیبی ۰/۰۳ و معنادار ($p>0/05$) نمی‌باشد. این متغیر با وجود رابطه معنادار با پیدایش بحران سیاسی و انسانی، به دلیل تأثیر سایر متغیرها، اثر خود را از دست داده و از رگرسیون خارج شد.

معادله رگرسیون با ضرایب استاندارد: مبارزه بر سر منابع نفتی ۰/۲۰ + نقش دول خارجی ۰/۳۳ + تروریسم ۰/۲۰ + اقتدارگرایی $Y=0/21$ پیدایش بحران سیاسی و انسانی

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

بدین ترتیب در این پژوهش، کاملاً روشن شد که بین دو متغیر اقتدارگرایی و بحران سیاسی و انسانی رابطه معنی‌داری وجود دارد. تأیید این فرضیه در مورد حکومت اقتدارگرایانه قذافی در دوران چهل و دو ساله نشان می‌دهد؛ که اقتدار همراه با دیکتاتوری و بدون مشروعیت سیاسی به‌مرور زمینه لازم را برای یک بحران سیاسی و انسانی منتهی به انقلاب را فراهم می‌سازد. به‌طوری‌که توانایی و کارایی خود را در پاسخ به خواسته و نیازهای مردم و جامعه از دست می‌دهد و از آنجا در این کشور دموکراسی در هیچ اشکال وجود نداشته و تصمیمات و قانون‌گذاری از سوی شخص قذافی صورت می‌گرفت و درآمدهای کشور را به هر صورت خود و خانواده‌اش تشخیص می‌داد، در داخل و خارج هزینه می‌کرد. مردم هیچ نوع دموکراسی را تجربه نکرده بودند، پس از انقلاب نیز مساله قدرت‌یابی و اقتدارگرایی در بازماندگان موجبات عمیق‌تر شدن بحران را فراهم ساختند که سال‌هاست ادامه دارد. داده‌ها نشان دادند که بین متغیر اقتدارگرایی و متغیر وابسته بحران سیاسی و انسانی رابطه معنی‌داری وجود دارد. فرضیه مطرح‌شده در مورد حکومت اقتدارگرایانه قذافی، مورد تأیید قرار گرفته است. امری که مباحث نظری و هم داده‌های آماری به تأیید آن پرداخته‌اند. بدین ترتیب حکومت‌های اقتدارگرا، هم قدرت و هم زور خود را در اشکال مختلف برای به بند کشیدن مردم در اختیار می‌گیرد. تا به هر ترتیبی شده، مردم حکومت اقتدارگرا را بپذیرند و فرامین و خواسته‌های آن‌ها را بکار بندند. از سوی دیگر برخی از پژوهشگران در مطالعه رژیم‌های حاکم غیر دموکراتیک به این نتیجه رسیده‌اند که؛ کاربرد وسایل قهر و اجبار برای سرکوب مخالفان در نوع رژیم‌ها، به عامل تعیین‌کننده نهایی در فروپاشی و یا استمرار آن‌ها محسوب می‌شود؛ و به باور آنان این امری توسط تعدادی زیادی از متفکران انقلاب‌ها نظیر بریتون، پاره تو، اسملسر، جانسون، گر، اسکاچ پل، تیلی، گودوین و گلدستون به آن توجه و تأکید شده است. از سویی دیگر می‌توان تمام صاحب‌نظرانی که از رهیافت سیاسی و قدرت محور نسبت به انقلاب‌ها استفاده می‌کنند از این عقیده دفاع می‌نمایند.

این مطالب می‌رساند که بین دو متغیر اقتدارگرایی حکومت و پیدایش بحران سیاسی و انسانی رابطه معنی‌داری وجود دارد و فرضیه حاضر را تأیید نموده است. البته باید با این امر توجه داشت که صرف وجود حکومت اقتدارگرایانه و استبدادی موجبات بحران را باعث نمی‌شود. بلکه رفتار و اعمال حکومت‌های اقتدارگرا و دیکتاتوری، خود در نهایت وسیله اضمحلال و نابودی خویش را در عمل زمینه‌سازی می‌کنند تا در شرایط و فرصت مناسب توسط مردم ساقط شوند. تأیید این فرضیه درباره حکومت اقتدارگرایانه قذافی در لیبی، از سوی مطالعات چندی که پیرامون دیکتاتوری و اقتدارگرایی قذافی صورت گرفته، مورد تأیید می‌باشند؛ که می‌توان به تحقیقات زیر اشاره کرد:

حسام قاضی (۱۳۹۱) در پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه به ساختار سیاسی اجتماعی لیبی و چشم‌انداز دموکراسی پرداخته‌اند و احتمال عدم برقراری دموکراسی را داده‌اند. سردار نیا و عمویی (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان «تحلیل انقلاب لیبی و چالش‌های فراروی حکومت پسااقتدارگرا از منظر بحران هویت و آمریت» انجام

داده‌اند. نویسندگان ابتدا به ماهیت متفاوت جامعه‌شناختی لیبی با انقلاب مصر و تونس پرداخته‌اند و پس‌از آن به بحران هویت، به دلیل قوم‌گرایی و آمریت که همان اقتدارگرایی متلاشی‌شده در دوره قذافی است. و امام‌جمعه زاده و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «شکل‌گیری جامعه مدنی در لیبی پس از قذافی: ضرورت‌ها، موانع و راهکارها» نگرش نموده‌اند. آنان باور دارند که قذافی مانع شکل‌گیری جامعه مدنی بوده و نیروهای حاکم در ساختار دولت پس از قذافی نیز این تمایل مشاهده نمی‌شود. از سویی دیگرهاشمی نسب و سعادت (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «عوامل بحران‌زا در سامان سیاسی نوین لیبی»، نویسندگان بر این باور هستند که سقوط رژیم اقتدارگرا و قبیله محور قذافی پس از کشته شدن وی در جریان جنگ داخلی لیبی به دست انقلابیون، یک پرسش اساسی در رابطه با ساختار سیاسی آینده این کشور را مطرح می‌سازد. پاسخ این پرسش عمدتاً در حول‌وحوش عوامل ایجاد بحران که همان سال‌ها حاکمیت اقتدارگرایی قذافی است، قرار دارد. علایی (۱۳۹۱)، در فصلنامه راهبرد، مقاله‌ای تحت عنوان «نقش شورای امنیت سازمان ملل در فروپاشی نظام قذافی» چاپ کرده‌اند، به نقش سازنده سازمان ملل از طریق مصوباتی که زمینه‌ساز مداخله در امور لیبی بود و موجبات مداخله نظامی را مشروع ساخت، بدون شک از نقش بسزایی در سقوط حکومت اقتدارگرای قذافی داشته است. موسوی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «علل و ریشه‌های خیزش مردم کشورهای لیبی و یمن ۲۰۱۰-۲۰۱۱» میلادی، انجام داده‌اند، به نقش نیروهای مردمی و نوع خواسته‌های مردم این دو کشور در قالب تفاوت این دو خیزش اشاره دارد. علاوه بر مقاله‌های تحقیقی فوق، می‌توان به دو پایان‌نامه زیر که داده‌های به‌دست‌آمده این مقاله را تأیید می‌نمایند؛ اشاره داشت:

نخست؛ ملیحه گودرزی (زمستان ۱۳۹۰) در پایان‌نامه‌ای با عنوان: مقابله با بحران‌های انسانی خاورمیانه در پرتو دکتترین مسئولیت حمایت با تأکید بر رویدادهای سوریه و لیبی؛ باره‌نمایی استاد شریفی طرازکوهی و مشاوره استاد آل‌کجفاف، انجام‌یافته است. وی پس از پرداختن به بحران انسانی در سوریه و لیبی، اقدام مسئولیت حمایت را در لیبی برای سوریه نیز ضروری دانسته‌اند؛ و فرشته ریاضی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه‌ای خود با عنوان: تبیین مصادیق جنایات علیه بشریت در حوادث لیبی با نظریه واکنش‌های سازمان‌های بین‌المللی؛ وقایع حادث‌شده و خشونت‌های عمیق و گسترده در انقلاب لیبی را مورد تبیین و تحلیل قرار داده‌اند.

در یک جمع‌بندی خلاصه‌وار باید مطرح ساخت که حکومت‌های اقتدارگرا در هر جامعه‌ای عاقبت از سوی مردم، ساقط خواهند شد؛ زیرا حکومت‌ها با بی‌عدالتی شاید بتوانند مدت زیادی حکومت نمایند، اما با ظلم، ستم و حکومت ضد مردم نمی‌توانند مدت زیادی دوام بیاورند. بدون شک نظام حاکم گذشته در لیبی، تمام ساختارها و نهادهای آن پس از تغییر نظام، اثرات خود را بر مردم، نهادها و سازمان‌ها و تمامی عملکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برجای می‌گذارند. از آنجا نظام حاکم گذشته نظام و سیستمی مردمی نبوده، بر ایجاد بحران‌های سیاسی و انسانی نقش و اثر مستقیم داشته است.

References

- Amid, H. (2011). *Amid dictionary*. Tehran: Amir Kabir Press
 Ansar, P. (2002) *Ideologies, Conflicts and Power*. Translated by M. Sharif. Tehran: Ghasidesara Press.

- Arendt, H. (2009). *The Origin of Totalitarianism and Violence*. Translated by M. Salasi. Tehran: Javidan Press.
- Ashouri, D. (2013). *Political Encyclopedia*. Tehran: Sohrevardi and Morvarid Press.
- Azimi Dolatabadi, A. (2017). The critique of the approach and demarcation reviewing of the political changes in the Arab world. *Quarterly Review of Political Studies of the Islamic world*, 3(9), 11.
- Bashiriyeh, H. (2012). *Political sociology*. Tehran: Ghomes Press.
- Bebi, E. (2014). *the method of research in social sciences*, translated by R. Fazel. Tehran: Samt Press.
- Broker, P. (2004). *Nondemocratic Regimes, Theories, Politics and Government*. Translated by A. R. Samei Isfahani. Tehran: Kavir Press.
- Broxer, P. (2012). *Non-Democratic Regimes, Theories, Politics and Government*. Translated by A. Samiei Isfahani, Tehran: Kavir Press.
- Bruce, W., and Harvey, S. (2015). *The World Policy, Restrictions and Selections Options*. Translated by A. Omid. Tehran: Political and International Studies Press.
- Carey, S. (2013) *Protest, Repression and Political Regimes*, New York: Routledge.
- Dastayovski, L. (2009) *Some Statements on Totalitarianism*. Translated by A. A. Millani. Tehran: Akhtaran Press.
- Doding, K. (2015). *Power*. Translated by A. Mokhber. Tehran: Ashian Press.
- El-Khawas, M. (2015) *Libya Revolution: A Transformative Year*. In J. Davis, *the Arab Spring and Arab Thaw*, Ashgate Publishing Limited.
- Forn, J. (2014). Theories of revolution revisited: toward a fourth generation? *Sociological Theory*, 11(1), 1-20.
- Fireland, E. (2015). The conditions of a systematic political aggression. In A., Eftekari, *Violence and Society*. Tehran: Sefid Press.
- Fround, Jolian (2013). *Maks Viyer Sociology*. Translated by A. Nikgozar. Tehran: Gostar Press.
- Hamidi, H. (2017). *A Review of the Implications of "Dictatorship" and "Despotism"*. Thran: Asre Now Age Press.
- Malsuij, S. (2011). *Ethnicity Sociology*. Tranlated by P. Delbarpour. Tehran: Ameh Press
- Marefat, M. H. (2016). *Civil Society*. (1th Ed.). Qom: Altamhid Press.
- Maulana, H. (2012). *Civil society*. Tehran: Culture and Islamic Thought Institute.
- Milgram, S. (2016). *Obedience to Authority. An Experimental View*. Harpercollins.
- Morgenta, H. (2010). *International Politics*. Translated by H. Moshir. Tehran: Political Studies Press.
- Panahi, M. (2011). *Theory of Revolution: Incidence, Process and Consequences*. Tehran: Samt Press.
- Pie, W. L., Coleman, J., S., Binder, I., Lapalumbara, J., sydni, V., and Viner, M. (2013). *Crisis and Sequences in Political Development*. Translated by Gh. Sarvari. Tehran: Strategic Studies Press.
- Saburi. M. (2016). *King Systems*. Tehran: Shirazeh Press.
- Sadeghi Fasaie, S., and Erfani Manesh, I. (2012). *Methodological Foundations of Documentary Research in Social Sciences*. Tehran: Samt Press.
- Shirouie. S. (2014). *What is Totalitarianism? What is a Totalitarist Government?* Tehran: Akhtaran Press.
- Sondrol, P. C. (2015). Totalitarian and authoritarian dictators: a comparison of Fidel Castro and Alfredo Stroessner. *Journal of Latin American Studies*. 23.
- Taleban. M. R. (2013) *Huge Political Sociology: The Analysis of International Political Stability*. Tehran: Jamaeshenasan Press.
- Talebi, A. (2015). Who is dictator? *Iran emrouz, electronic political news journal*.
- Turner Jonathan, H. and Bigli, W. (2013). *The advent of Sociological Theory*. Translated by A. Resaiezadeh, (1th Ed.). Shiraz: Shiraz University Press.
- Vaezi, A. (2012). *Religious Society, Civil Society*. Tehran: Culture and Islamic Thought Institute.

Internet References

www.asriran.com

<https://www.washingtonpost.com>

[https://www. fa/ news](https://www.fa/news)

donya-e-eghtesad.com

www.worldometers.info

<https://www.asriran.com/fa/news>

<https://middiestppress.com>

<https://www.aljazeera.net>



Study of the authoritarian structure of Gaddafi's dictatorship and its role in the formation of geopolitical crises in Libya

Abbas Jahan Tigh

Ph.D. student in political sociology, Department of sociology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Tahere Mirsardou*

Associate Prof. Department of Sociology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran

Soroush Fathi

Associate Prof. Department of Sociology, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Abstract

The thesis entitled “the investigation of the relationship between the authoritarian structure governing Libya and its role in creating human crisis and the downfall of Gadhafi’s dictatorship in the formation of a people-centered government”, investigated the crisis resulted from the political, cultural and economic structure. This study aimed to investigate the Formation of a People-Centered Government and the authoritarian structure of Libya government in Gaddafi’s governorship and its relation to the emergence of the political and humanity crisis after his governorship. To this end, a documentary method in the form of re-analysis, was used. The instruments utilized in this study to gather data were books, articles, dissertations and virtual sites on Libyan Revolution, the political crisis, and the authoritarianism, which were selected as a sample of the statistical population to test and analyze. The result of t - test and regression showed that there was a significant statistical relationship between the Libyan’s authoritarianism and political humanity crisis. The results of all tests revealed that there was a significant statistical relationship between the authoritarianism structure of Gaddafi's government and the political crisis after his governorship in Libya.

Keywords: Authoritarian Structure, Libya Government, Downfall, Gaddafi, Dictatorship, People-Centered Government

* (Corresponding author) mirsardoo_t@yahoo.com